

یلدا، جشن امید – یادگار کهن ایرانیان



باز “یلدا/ چله/ خور روز” این جشن پیچیده در رازهای باستانی و شب مقدس غلبه نور بر تاریکی تا چند روز دیگر فرا می رسد و مردم از جنوب روسیه و فلات ایران تا شبه قاره هند آن را جشن خواهند گرفت در حالی که اغلب آنان نه از وسعت جغرافیایی و تقدس این شب آگاهند و نه به رازهای کهن نهفته در آن. جشنهایی چون یلدا و نوروز که از ایران تا غرب چین جشن گرفته می شوند به یاد ما ایرانیان می آورند که “ایران‌شهر” گستره ای فرهنگی است که بسیار فراتر از مرزهایی که سرزمینهای ایرانی را از هم جدا کرده، گسترده است.

اقوام ایرانی جدا گشته از یکدیگر ناگهان با نیروی نهفته در این آیینهای باستانی هر جای دنیا که باشند و رای همه جدایی ها ناگهان در چیزی متحد می شوند که نه تنها در واقعه ای گذرا آنها را به هم پیوند می زند بلکه رویایی فراموش شده ایران‌شهر را به یادشان می آورد و تا روزی که این رویا خود را در دل اسطوره ها، سنن و آیینهای ایرانی تداوم می بخشد ایران زمین همچنان زنده خواهد ماند حتی اگر هزار تکه شده باشد و همچنان چون نیرویی یگانگی بخش ما ایرانیان را در خانه و در هجرت و در هر سرزمینی به یکدیگر پیوند میزند. باشد که به کودکانمان بیاموزیم اهمیت پاسداشت آیینهای نیاکامان را که آیینهایی چون یلدا نه فقط یک جشن بلکه راز تداوم تاریخی هویت تاریخی ما در هجوم طوفانهای است که اقوام و تمدنهای بسیاری را به صفحات تاریخ سپرده است ولی در طی هزاران سال ما با پاسداری از زبان، اسطوره ها و آیینهای خود در ویرانگرترین تندبادهای تاریخ توانسته ایم از فرهنگ و هویت خود پاسداری کنیم و ایرانی بمانیم.

در تقویم ایرانی این شب مقارن شامگاه 30 آذر و انقلاب خورشیدی است که به عنوان طولانی ترین شب سال جشن گرفته می شود ولی آن چه به این شب معنایی ویژه می بخشد نه طول آن، بلکه این حقیقت است که سراسر این شب چون نبردی است میان استیلای تاریکی در قدرتمندترین فرمانروایی خود که با تولد خورشید و غلبه نور بر طولانی ترین و گسترده ترین تاریکی ها به پایان می رسد. یلدا نمادی از پیروزی نهایی نیکی و نور بر نیروهای اهریمنی است. نبردی که یکی از بنیادی ترین باورها در جهان بینی ایرانی است. ظلمت شب یلدا یادآور تاریخ این جهانی مردمان است که با

رنج و تاریکی آلوده شده است ولی هرگز در باور ایرانی این رنج پایدار و ابدی نیست و سرانجام اهریمن با تولد نور نابود خواهد شد.



جشنهای باستانی مرتبط با شب یلدا بسیار گسترده و در بر گیرنده گستره وسیعی از سرزمینها و اقوام گوناگون است، اگرچه جشن گرفتن اعتدال زمستانی در بعضی ملتهای دیگر به جز آریاییان نیز مشاهده شده است ولی می توان آن را فصل مشترک اقوام آریایی- ایرانی و یادگار فرهنگ مشترک کهن آنها در زمانی دانست که در کنار هم می زیسته اند. از 4000 سال پیش از میلاد می توان این جشن آیینی را در شاخه های مختلف آریاییان از تمامی اقوام شمالی نوردیک و ژرمن و از ایران تا آلمان و لیتوانی و از هند تا مردم ویناخ در سرزمینهای جنوبی روسیه مشاهده کرد و حتی تاثیر آن بر مردمان سرزمینهای دوردست چون ژاپن از طریق اقوام آریایی آینو که از روسیه وارد ژاپن شدند و بر سلسله مهم یاماتو تاثیر بسیار گذاشتند و یا مصر از طریق پیوند مصریان با اقوام آریایی هیتی نیز موضوعی قابل مطالعه است.

در این میان سرزمینهایی وجود دارند که ارتباط آنها با این سنت چون رازی دور از دسترسی باقی مانده است چون تمدن شگفت انگیز مایا در امریکای جنوبی که آنان نیز این شب را با درکی یکسان از تولد ایزد خورشید جشن می گرفته اند. امری که می تواند تصادفی باشد ولی جشن گرفتن یلدا در کنار تقسیم بندی های مشابه سال و هفته و حتی جزییاتی چون 5 روز دزدیده پایان سال (خمسسه مسترفه) و شباهتهای کم نظیر هنر بومیان امریکای مرکزی با تصاویر منقوش بر اشیاء کشف شده در تمدن جیرفت و فرضیه پیشین مهاجرت بومیان امریکا از آسیا می تواند ارتباطهای باستانی این تمدنها و ریشه بسیار کهن این جشن را در جایی دورتر از هر تاریخ مکتوبی آشکار سازد. در این جستار نگاهی خواهم داشت به اقوامی که این شب را جشن می گیرند و تقارن های جالب توجه در میان سنن این اقوام، بخشی از آنچه در ادامه می آید حاصل بررسیهای اخیر نویسنده است و برای نخستین بار منتشر می شود.



این شب با آیین باستانی خورشید روز “خور روز” که در آیین باستانی مهر (میتراپیسم) ایرانی و سپس رومی متقارن است و هم نزد ایرانیان و هم رومیهایی که بر این آیین بودند روز تولد میترا “مهر” پیامبر باستانی ایرانی روزی مقدس به شمار می رفته است. ایرانیان باستان این روز را خورشید روز “خور روز” دانسته و این شب را به عنوان شب زایش مهر یا خورشید جشن می گرفته اند و به عنوان یک آیین باستانی در دامنه های البرز تا دمیدن سپیده به انتظار طلوع خورشید می نشسته اند و پیروزی مهر و شکست اهریمن را با خواندن دعایی با نام “نی ید” جشن می گرفته اند. این شب به عنوان شب تولد میترا ایزد مهر و همچنین مهر پیامبر ایرانی در آیین های باستانی ایرانیان شناخته شده است و شگفت انگیز آنکه این سنت از فلات ایران تا شبه قاره تاووم داشته و حتی مردم بنگلادش نیز این شب را “شب نور” دانسته و گرامی می دارند. در دوره های بعدی نیز مزدکیان و خرم دینیان این روز را خرم روز نامیده و گرامی داشته اند. شاید توجه به این نکته نیز جالب توجه باشد که ما ایرانیان کلمه “مهر” را هم به معنای خورشید و هم به معنای عشق و محبت به کار می بریم و نور دانستن محبت نشان از اهمیت ویژه این واژه و انطباق این مفاهیم در فرهنگ ایرانی دارد.

این روز تقارن نسبی با زاد روز میلاد عیسی مسیح در تاریخ 25 دسامبر دارد که توسط تمام مسیحیان جهان جشن گرفته می شود. جالب است بدانیم مطابق روایت انجیل لوقا، عیسی مسیح در تابستان و نه زمستان متولد شده است. در انجیل لوقا آمده است :

“و در ماه ششم جبرئیل فرشته از جانب خدا به بلدی از جلیل که ناصره نام داشت فرستاده شد . نزد باکره نامزد مردی مسمی به یوسف از خاندان داود و نام آن باکره مریم بود . پس فرشته نزد او داخل شده ، گفت : سلام بر تو ای نعمت رسیده . خداوند با توست و تو در میان زنان مبارک هستی .”

مطابق تقویم مذهبی یهود این ماه پایانی تابستان و تولد عیسی مسیح باید در تابستان بعد باشد و در تایید این موضوع در انجیل لوقا همچنین روایت تولد مسیح همزمان با فصل چرای گوسفندان ذکر شده است حال آنکه هیچ شبانی گوسفندان خود را در زمستان به چرا نمی برد! و چرا هیچ اشاره ای به نشانگان زمستان در تولد عیسی مسیح نیست؟ نکته اینجاست که در این مورد نیز امپراتور کنستانتین پس از پذیرش مسیحیت به دلیل وجود اختلافات در تولد مسیح در سال 325 میلادی شورایی به نام شورای اول نیکانا (First Council of Nicaea) را تشکیل داد تا اصول دین مسیح را بنیان گذارند در این شورا و شورای بعدی بود که اناجیل اربعه رسمیت یافت و در مورد زمان تولد حضرت مسیح تصمیم گیری شد اگرچه هنوز نیز در این مورد اختلاف وجود دارد و کلیسای گریگوری و ارتدوکس 6 ژانویه را زادروز مسیح می شمارند. ولی چرا 25 دسامبر؟ پاسخ به این سوال وقتی جالب می شود که باز به گسترش میتراپیسم در روم و محبوبیت آیین خورشیدروز و باور شکست تاریکی در این شب برگردیم روزی که آنرا زادروز تولد میترا یا مهر می دانسته اند. گاهشماری مورد استفاده رومیان گاهشماری یونانی بوده است و دلیل جابجایی تاریخ تولد مسیح از 21 دسامبر به 25 دسامبر ناشی از یک خطای محاسباتی بوده است که امروزه مورخین بسیاری این احتمال را مورد تاکید قرار داده اند.

آیا هرگز از خود پرسیده ایم که چرا روز مقدس و تعطیل هفته نزد مسیحیان Sunday یعنی ترکیبی از Sun یعنی خورشید و Day به معنای روز است؟ آیا این صرفاً تقارنی تصادفی میان میتراپیسم یا آیین مهر که خورشید و مسیحیت است که مسیحیان روز مقدس هفته خود ا خورشیدروز نامیده اند و در میتراپیسم روز آخر هفته مهرشید یا روز خورشید است ؟ جالب ایت بدانیم که این روز نخستین بار توسط کنستانتین نخستین امپراتور روم در سال 321 میلادی و با نام روز خورشید تعطیل شد. دلیل آن گسترش میتراپیسم در رم و مقدس بودن مهرشید نزد مردم و سربازان رومی بوده است که برای گسترش سریع مسیحیت بهترین راه استفاده از سنتهای جاری و تغییر معنای آنها بوده است! روز 21 دسامبر یا همان شب یلدا یکی از بزرگترین جشنهای ملی رومیان در امپراطوری روم پیش از پذیرش مسیحیت بوده است که با نام “دیوالیا Divalia” (و به افتخار خورشید بازگردنده (returning sun)) در غالب یک فستیوال ملی جشن گرفته می شده است.

در سالهای اخیر بقایای معابد و مهرابه های میتراپی که نه تنها در آسیای صغیر و فلات ایران که حتی با وسعت بسیار در اروپا از ایتالیا تا آلمان، ایرلند و انگلستان بدست آمده اند و تصاویر منقوش در این معابد کمک کرده اند تا اطلاعات جدید از میترا این چهره مرموز تاریخ حاصل گردد. اطلاعاتی که به روشنی نشان از شخصیتی مستقل از ایزد باستانی با عنوان مهر نجات بخش و پیامبر ایرانی می دهد که آیینی بسیار مدون و البته راز آمیز را نمایندگی می کند پیامبری که تحت تاثیر نشانگان میترا و بازگشت او ظهور می کند و دهها تصویر، مجسمه و معابد باقیمانده از آیین او نشان از گسترش منحصر به فرد این آیین، اندکی پیش از تولد مسیح به ویژه در امپراطوری روم دارد آیینی که امروز کلیسای کاتولیک و به طبع آن بسیاری حتی در دانشگاههای جهان غرب با اطلاق نام کلی پاکانیسم یا شرک وزندقه می کوشند آنرا به فراموشی بسپارند و به سادگی از آن بگذرند.



در رابطه با ارتباط سنتهای کلیسای کاتولیک و آیینهای میتراپی به ویژه در رابطه با آیینهای مرتبط با جشن سال نو (کریسمس) سخن بسیار است که آن را به بعد ماکول می کنیم. ولی ذکر این نکته دارای اهمیت است که روزهای 17 تا 25 دسامبر در سنتهای مسیحی به عنوان آخرین هفته پیش از تولد مسیح جشن گرفته می شوند و هر روز نامی ویژه و آوازه های مخصوص به خود و عبادتهای خاص خود را داراست و نکته بسیار جالب در این رابطه این است که روز 21 دسامبر که در سنتهای باستانی هندو اروپایی زاد روز خدای خورشید (مهر/میترا) است در این مراسم عبادی که آنتیفون *antiphon* نامیده می شود با نام اورینس *Oriens* یا خورشید طلوع کننده شناخته می شود و خود کلمه اورینس در لاتین شرق معنا می دهد که نقطه ظهور و تولد خورشید(مهر) است. شعر بسیار معروف زیر در رابطه با این روز به عنوان یک پیشگویی در قالب یک سرود کلیسایی در این روز خوانده می شود که نظرتان را به متن لاتین و همچنین ترجمه انگلیسی این متن و یک اشتباه عجیب ترجمه که به طور وسیع در دنیای انگلیسی زبان مورد استفاده قرار می گیرد جلب می کنم.

:Latin

**O Oriens,
splendor lucis aeternae, et sol justitiae
veni, et illumina sedentes in tenebris, et umbra mortis**

:English

**O Morning Star
splendour of light eternal and sun of righteousness
Come and enlighten those who dwell in darkness and the shadow of death**

همان طور که دیده می شود در تصنیف فوق کلمه شرق در زبان لاتین *Oriens* که به استعاره از خورشید و نقطه تولد آن استفاده می شود به دلایل نامعلومی به ستاره ترجمه شده است ولی تصویر و نماد این روز که در زیر می بینید به خوبی معنای این روز را آشکار می سازد.



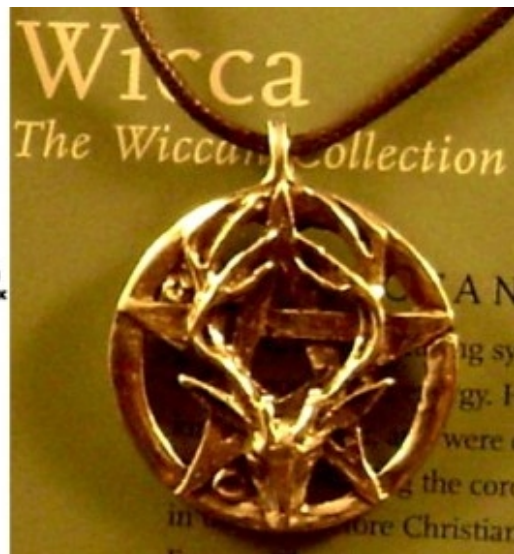
در رابطه با جشن گرفتن شب یلدا توسط رومیان به این اشاره شد که آنها این جشن را *دیوالیا* می نامیدند و جالب این که این جشن با نام مشابه *دیوالی* و یا *دیپاوالی* در میان هندوها نیز با عنوان جشن غلبه نور بر روشنایی شناخته شده و هندوها، سیکها و جینیها این روز را به عنوان غلبه نور بر تاریکی جشن می گیرند و تصاویر زیر مربوط به مراسم سالانه این جشن ملی هندوهاست.



شب یلدا همچنین با روز جشن میلاد دیلا ماخ **Deela-Malkh** خدای خورشید باستانی مردم ویناخ **Vainakh** که قزاقهای شمالی و مردم ساکن در مناطق امروزی چین اینگوش و شمال گرجستان هستند متقارن است. اغلب این مردم امروزه مسلمان هستند ولی همچنان این آیین باستانی آریایی را در این شب جشن می گیرند. سمبل خدای خورشید این مردم یعنی دیلاماخ را در تصویر زیر می توانید مشاهده کنید که شباهت آن با سواستیکا (**Sanskrit**): **स्वास्तिक** (سواستیک) که نماد شناخته شده آریاییان که بعدها توسط هیتلر و حزب نازی آلمان برای تاکید بر ریشه آریایی ژرمن ها مورد استفاده قرار گرفت نیازمند توضیح بیشتر نیست.



روز 21 دسامبر به عنوان جشن یوله Yule در آلمان نیز جشن گرفته می شده است و امروزه نیز در کشورهای نوردیک فارغ از پیشینه متفاوت این جشن نام دیگری برای کریسمس محسوب می شود. در شکل باستانی این جشن، هدف این مراسم جشن گرفتن تولد خدای بزرگ شاخدار شکار – خدای خورشید در آیین ویکا Wicca بوده است که به عنوان آیینی نئوپاگان احیاء مجدد یافته است.



در لیتوانی درست در همین روز یعنی 21 دسامبر که مصادف با شب یلداست جشنی گرفته می شود که زیماسوتکی Ziemassvetki نامیده می شود که هدف از آن شادی به دلیل بازایش خورشید است و غذاهایی خورده می شوند که همگی اشکالی دارای انحناء و یادآور شکل خورشیدند مانند نخود، لوبیای گرد، تخم مرغ و سوسیس هایی که به شکل گرد درست می شوند. در تمام طول مدت جشن آتشی روشن نگاه داشته می شود که باور دارند به تولد خورشید کمک خواهد کرد.

- گروهی از بومیان اسکاندیناوی نیز که آنها را سامی sami میخوانند و خود را فرزندان خورشید "parneh Paiven" می دانند و حتی پرچمشان که در زیر مشاهده می کنید خورشیدی را در مرکز خود نقش بسته است و از سوئد و فنلاند و نروژ تا غرب روسیه پراکنده اند نیز این روز با نام تولد الهه خورشید بی وه Beiwe جشن می گیرند..



پرچم سامی های اسکاندیناوی

و اما نگاهی داشته باشیم به ملتهای غیر آریایی/ایرانی که این آیین را جشن می گیرند ولی تماس تاریخی و امکان تاثیر فرهنگ آریایی (نویسنده بر این باور است که مهاجرت آریایی ها نه به ایران بلکه از ایران آغاز شده است . لذا هر جا واژه آریایی استفاده شده در نزد نویسنده هم معنا با ایرانی است ولی برای عدم تداخل این باور در این متن از واژه آریایی استفاده شده است) بر آنها قابل مطالعه است:

نخست مصریان : بررسی اسطوره شناسی و تاریخی اسطوره-ایزد میترا موضوعی بسیار مفصل و خارج از مقدرات این مکتوب است ولی به همین اندازه بسنده می کنیم که این ایزد که پاسدار آریاییان و ایزد خورشید بوده است با ارباب چهار اسب خود آسمان را می پیموده و در روز رستاخیز نیز آنها را ایزد بانوی آب در کنار او بر این ارباب ظهور خواهد کرد. این خدای باستانی در یونان در ردای ژوپیتر و در مصر با عنوان هوروس (خدای خورشید) با همانندی بسیار ظهور مجدد پیدا کرده است که درباره انتقال میترا به مصر می توان به فرعون آریایی نژاد مصر "آخن آتون" اشاره کرد که مادرش آریایی نژاد و همسرش "نفرتی تی" از آریایی های میتانی بودند و هم او بود که آیین یکتاپرستانه آتون را با شنیدن سرود خورشید در مصر بنیان گذارد که به اعتقاد بسیاری از جمله فروید ریشه مستقیم در آیینهای باستانی آریایی داشته است.



حدود 4000 سال پیش یلدا با عنوان شب باز زاییده شدن خورشید در مصر جشن گرفته می شده است و این روز را روز بازگشت هورس Horus خدای خورشید می دانسته اند و جالب این که این روز در تقارن با افسانه پیشگویی پیروزی نهایی هورس خدای روشنایی بر خدای سوتخ Sutekh که معادل اهریمن در اساطیر مصر است نیز می باشد. نبردی که در دریاچه اوزیریس یا همان دریاچه آتش رخ می دهد و برای همیشه با شکست سوتخ به قلمرو تاریکی پایان می بخشد. نکته جالب توجه دیگر این که هوروس یا خدای خورشید مصر باستان حافظ "مات" که خود هم یک قانون و هم یک ایزد است. "مات" خدای راستی ، پیمان و عدالت است و هورس فراعنه را برای پاسداری از این قانون/خدا به عنوان نگهبان "مات" برگزیده است و به همین دلیل بوده که فراعنه نیز لباس "مات" را در بر می کردند تا این وظیفه را یادآوری کنند. شباهت آوایی و زبان شناختی Maat و ایزد آریایی میترا Mithra مشابهت بسیار با مات ایزد راستی ، پیمان و عدالت دارد که بعدها در "مهر" که پیامبری در تجسم این ویژگیهاست تولد می یابد.

نکته جالب دیگر این است که هر دو ایزد، "مات" و "میترا" وظیفه قضاوت ارواح مردگان و داوری را بر عهده دارند و در تصویر زیر نقشی از ایزد مات و در زیر آن ایزد مهر/ میترا را سوار بر ارابه خود می بینید که عرصه آسمان را می پیماید. مجسمه طلایی میترا بر ارابه آسمان پیمایش که آناهیتا ایزد آبها و زایش او را همراهی می کند تندیس از دوران مادهاست که همراهی این دو را در روز نبرد پایانی به تصویر کشیده است. روزی که هر دو با هم ظهور خواهند کرد.



تمدن دومی که این روز را جشن می گرفته است تمدن مایاها (از بومیان امریکای مرکزی) و چند فرهنگ دیگر باستانی در این منطقه هستند. در تقارنی شگفت تمدن مایایی که تمدنی دور افتاده در قاره امریکا بوده است در تقویم خویش این روز یعنی 21 دسامبر را مقدس دانسته و نخستین دوره تمدن مایایی که آن را "نور و زمان light and time" نامیده اند در 21 دسامبر 3314 قبل از میلاد آغاز شده و روز پایانی این تقویم که آن را پایان تاریخ انسان و خروج او از تاریکی زیر زمین دانسته اند 21 دسامبر سال 2012 یعنی سال آینده خواهد بود که به دلیل نزدیک بودن توجه بسیاری را در جهان به خود مشغول داشته است. تقارن یلدا با روز مقدس تقویم مایایی شاید برای اولین بار است که در توسط مقاله طرح می گردد که توسط نگارنده در بررسی تقویم مایایی و دوره های 13 گانه آن حاصل شده است. جالب آن که بسیاری 21 دسامبر 2012 را پایان تاریخ و مصادف با جنگ یا نابودی بزرگ می دانند ولی آنچه از تقویم مایایی برمی آید کاملاً برخلاف این اعتقاد عمومی است. این پیشگویی نه بر نابودی که بر پیروزی نور بر تاریکی و خروج انسان از قلمرو تاریکی اشاره دارد که تحقق آن در یلدا سال 2012 پیشگویی شده است.



گروهی دیگر از بومیان قاره امریکا به نام زونی Zuni که امروز تنها نزدیک بخ 7000 نفر از آنان در نزدیکی مرزهای مکزیک زندگی می کنند و آنها را باقی مانده از قبیله و مردم پویلو Pueblu میدانند نیز روز 21 دسامبر و تولد خدای خورشید را جشن می گیرند. این مردمان معتقدند که از دروازه ای مخفی و از بعدی دیگر صدها سال پیش اجدادشان به امریکا آمده اند و این دروازه مخفی را شیپاپو Shipapu می نامند. زبان این مردم هیچ قرابتی با سایر زبانهای بومیان امریکا ندارد و سنتهای آنان نیز که به آن شدیداً دل بسته اند منحصر به خود آنهاست. در زیر تصویر دو نماد مقدس آنان را می بینید.



این جشن در ژاپن نیز در حدود قرن هفتم میلادی به افتخار آماتراسو اوکامی (Amaterasu-ōmikami) 天照大神) 天照大御神) الهه خورشید که نام او نیز به معنای نوری که در بهشت می درخشد در برپا می شده است. او حافظ خاندان سلطنتی ژاپن نیز شمرده شده است. در ابتدای این جستار به تاثیر آینه های آریایی تبار بر نخستین تمدن های شناخته شده ژاپن اشاره شد ولی در این رابطه کتاب "سلسله یاماتو در ژاپن و تمدن باستانی پارس" نوشته دکتر شهاب ستوده نژاد تحقیقی بسیار جامع و قابل توجه و خواندنی است.



پیش از به پایان بردن این جستار نیک است اگر نگاهی دوباره داشته باشیم به استفاده از نماد خورشید در اسطوره/ ایزدان ایرانی. به تصاویر زیر توجه کنید دایره نمادی از خورشید است و حلقه که نمادی از مهر که همزمان ایزد مهر و پیمان است در این تصاویر قابل مشاهده اند. آنچه ریشه ایرانی/آریایی این نماد که در دستان و یا در بالای سر فروهر، میترا، هورس و ویکا و مغان مادی دیده می شود را می تواند تایید کند قدمت این نماد نزد آریاییان است. نزدیک ترین احتمال دیگر به دلیل قدمت تمدنی مصریانند که ممکن است استفاده از این نماد نخست از سوی آنان صورت پذیرفته باشد و سپس سایر ملل از آنان اقتباس کرده باشند که به دلیل روشنی قابل رد است زیرا این نماد در قوم هیتی که آریایی نژاد بوده و توسط مصریان نابود شده اند نیز دیده شده است با تاریخی کهن تر از مصریان و همچنین این نماد بر مقبره کیاکسار (cyaxares) بنیان گزار پادشاهی ماد که در کردستان دفن است نیز موجود است که نشانگر وجود این نماد پیش از هخامنشیان در میان اقوام آریایی است .



مقبره کیاکسار در کردستان – یک مغ ماد با حلقه مهر



تصاویری متاخرتر در دوره های هخامنشی

و ساسانی



ویکا ایزد خورشید اقوام نوردیک و ژرمنها با حلقه مهر در دست



حلقه

مهر/خورشید/پیمان در دستان میترا – نگاره ها عمدتاً در ارمنستان و ناحیه آناتولی یافت شده اند و نه در ترسیم میترا در میترا ایسم رومی

در پایان شاید مناسب باشد به این مهم نیز اشاره شود که ریشه کلمه مسیح را می توان در واژه آریایی “می” باز جست که “نوستی” معنا می دهد و همچنین “میترا” نیز با همین معنا به کار برده شده و “میث” نیز میانجی گری و شفاعت معنا شده است. کلمات **medium, medicine, media, mediator** در زبان انگلیسی همچنان این معنا را حفظ کرده اند. این واژه بعدها با شکل “میشی” و “میسی” و در نتیجه “مسیح” به کار برده شده است و اصولاً ارتباطی با کلمه مسح عربی به معنای آب یا روغن مالیده شده ندارد. در نوشته های پهلوی نیز میترا به تمام اشکال میتر، میهر، میر نوشته شده است. می توان گفت باور به ظهور یک نجات دهنده یکی از ریشه های باورهای اقوام ایرانی است که در جشن مهر (یلدا) تجلی یافته و برای هزاره ها ایمان آنها را به غلبه پایانی نور بر تاریکی و نیکی بر بدی و دفع اهریمن از جهان و پیروزی یکتاپرستی بازتاب داده است.

فرزانش ایرانی

<http://www.theiraniandream.net>

یلدا نقطه تقابل و تعامل مهرکیشی و دین زرتشت

حسین زندی

از چهار هزار سال پیش جشن شب یلدا با نام ها و عنوان های گوناگون در حوزه فرهنگی ایران برگزار می شود اما مناسبت ها مناسک و آیین ها در ادواتاریخی، مناطق جغرافیایی و نوع حاکمیت و باور مردمان متفاوت بوده است

از همین روی جشن ها را باید براساس دوره تاریخی و ظرف زمانی مشخص بررسی کرد در غیر این صورت نتیجه قابل قبولی جز سردرگمی به دست نخواهد آمد

با ظهور زرتشت و فراگیری دین او که آیین مهرپرستی و دیگر آیین های بومی در ایران را به حاشیه می راند ، جشن ها نیز دچار تحول می شود اگرچه همه نشانه ها و مظاهر آیین های کهن از میان نمی رود و حتی بر دین جدید(زرتشت) تاثیر شگرفی می گذارد اما دگرگونی ها را نمی توان نادیده گرفت

یلدا نمونه به جای مانده از این مراسم است و آن را به نوعی نقطه تلاقی و برخورد فرهنگ مهرپرستی و زرتشتی می توان شمرد این نکته که زرتشت پس از ظهور ، دیوان یا خدایان اساطیری ایرانیان را که از نظر او مظهر بدی بودند مردود شمرد و به کنار زد و یادآوری این باور که در دوره ای از تاریخ این سرزمین بلندترین شب سال (یلدا) که زمان تولد مهر به شمار می آمد را نشانه سیاهی تاریکی و تباهی می دانسته اند و مهم تر اینکه ارتباط واژه های دیو و دی و هم ریشگی این دو واژه که یکی سمبل پلیدی و دیگری نشانه خرمی است می تواند نشانه این ارتباط باشد

دیو یا دنو (daeua) واژه اوستایی است به معنی خدا که همچنان در هند به همین معنا به کار می رود پس از غالب شدن فرهنگ زرتشتی در ایران به ویژه در دوره ساسانیان این واژه بار معنایی منفی پیدا کرد و به معنی خدای ظلم و پلیدی به کار گرفته شد این واژه با اندکی تفاوت تلفظ در فرانسه (dieu) و گاه در انگلیسی به کار می رود و نکته دیگر رابطه کلمه های دی و دیگان است دی اولین ماه فصل زمستان است در گاه شماری قدیم سه روز از ماه با این نام آمده است دی به آذر، دی به مهر، دی به دین که دیگان و یا دیگان اول ، دوم و سوم گفته می شود و این سه روز متعلق به خدایگان و پادشاهان است و به نظر می رسد جشن ها و آیین های مذهبی در این سه روز برگزار می شده است

گردیزی در زین الخبار می نویسد « این ماه دی به نزدیک مغان ماه خدای است و اول او را هم نام او خوانند و این روز را سخت مبارک دارند »

روز اول دی در گاه شماری کهن به نام هرمزد یا اهورامزدا است که آن را با عنوان خرم روز جشن می گرفتند ابوریحان در آثار الباقیه می نویسد: «دی ماه و آن را خورماه نیز می گویند نخستین روز آن خرم روز است و این روز و این ماه هردو به نام خدایتعالی که هرمزد است نامیده شده یعنی پادشاهی حکیم و صاحب رای آفریدگار در این روز عادت ایرانیان چنین بود که پادشاه از تخت شاهی به زیر می آمد و جامه سپید می پوشید و در پایان بر فرش های سپید می نشست و دربان ها و یساولان و قراولان را که هیبت ملک بدان هاست به کنار می راند و در امور دنیا فارغ البال نظر می نمود و هرکس نیازمند می شد که با پادشاه سخن بگوید خواه که گدا باشد یا دارا و شریف باشد یا ضعیف ، بدون هیچ حاجب درباری نیز به دربار شاه می رفت و بدون هیچ مانعی با او گفتگو می کرد و در این روز پادشاه با دهقانان و برزیگران مجالست می کرد و در یک سفره با ایشان غذا می خورد...»

به همین دلیل برخی ریشه این جشن را مذهبی و دینی دانسته اند و آغاز دی ماه را ابتدای سال مذهبی مهرپرستان ذکر کرده اند

همزمانی آغاز سال مسیحی با این جشن نمی تواند بی ارتباط باشد چرا که مهرپرستی و میتراپسم بیشترین تاثیر را بر مسیحیت داشته و پژوهشگران در ارتباط با یلدا و تولد عیسی و مهر بسیار سخن گفته اند و به درستی نکات تاریکی آشکار نموده اند اما تاثیر و ارتباط آیین زرتشت از مهرپرستی مورد غفلت واقع شده و یا کمتر بدان پرداخته شده است

از	آنجا	که	مسیحیت	آیین
----	------	----	--------	------

فراگیر و رسمی است و ابزارها و امکانات حکومتی قرن ها در اختیار کلیسا بوده توانسته است این آیین را نوسازی کند و به عنوان تولد مسیح معرفی کند یلدا به مرور جنبه دینی را از دست داده و به صورت جشن مردمی و دهقانی درآمده است و در واقع این دهقانان و برزیگران بودند که یلدا را زنده نگه داشته اند

نکته دیگر جشن یلدا با دیگان و خورروز متفاوت است و مناسب و آیین هایی گوناگون از هم دارند برای پی بردن به ریشه جشن یلدا باید توجه داشت که در هیچ یک از آثار زرتشتی از این جشن یاد نشده است و مناسب برجای مانده مانند تقسیم خوراکی ها و... اغلب از آیین مهر گرفته شده است.

www.barayeiran.blogfa.com

www.kohandezhngo.blogfa.com

barayeiran@gmail.com